

السَّلَامُ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ وَآلِهِمْ وَارْحَمَهُمُ اللَّهُ إِنَّهُمُ الْبَرَاءَةُ الْأَوْفَى
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْهُمْ إِنَّهُمْ الْأَوْفَى

حسب

اثرشناسی کلمات طیب و خبیث
در فرهنگ قرآنی

روضه خانگی

جلسه ششم

جناب آقای محمدحسین رحیمی



گروه فرهنگی المنهاج
لکامینکامین
جعلتکم احب الی الله



www.almenhaj.com(ir)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِكَ)

(خداوندا! به تو پناه می‌برم از این که)

(أَنْ أَضِلَّ أَوْ أُضَلَّ)

(گمراه کنم یا گمراه شوم)

(أَوْ أَزِلَّ أَوْ أُزَلَ)

(بلغزانم یا لغزانده شوم)

(أَوْ أَظْلِمَ أَوْ أَظْلَمَ)

(ظلم کنم یا به من ظلم شود)

.....
(أَوْ أَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ)

(به جهل بکشانم،

یا به جهل کشیده شوم)

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ

وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ

عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامٌ اللَّهُ أَبَدًا

مَا بَقِيَتْ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ

وَ لاجَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ

السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ

وَ عَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ

جلسه سوم گفتاری پیرامون
(کلمات طیب و کلمات خبیث)

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً
كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ.
تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ
الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ.
وَ مَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ
فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ.

(آیات 24-26 / سوره ی مبارکه ی ابراهیم)

آنچه گذشت

در دو جلسه‌ی گذشته گفتیم:

آدم (کلماتی) را از جانب (ربّ)، در جان خود می‌یابد؛
حضور این (کلمات) در جان آدم موجب می‌شود:
به (جایگاه توبه) دسترسی پیدا کند.

نتیجه‌ی (توبه) آمدن (هدایت) است.
و (کلماتند) که واسطه‌ی هدایتند.

(اعتراف به ظلم) همان (کلماتی) است که:
(آدم) به توسط آن (توبه) می‌کند؛

رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا

(پروردگارا ما به خویشتن ظلم کردیم؛)

وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ

(اگر ما را مورد غفران و رحمت قرار ندهی)

(از خسارت دیدگان خواهیم بود).

در داستان جناب ابراهیم دیدیم که:

(رَبِّ)، جناب ابراهیم را به (کلماتی) مبتلا می‌کند.
این (کلمات)، (حوادث و ابتلائی) است که (رَبِّ)،
در (سیر زندگی) جناب ابراهیم طراحی کرده است.

(وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ)

(اِتمام کلمات)،

توفیق و یاری در به سرانجام رساندن این حوادث است.

نتیجه‌ی (اِتمام کلمات)، و به سرانجام رساندن حوادث،
دسترسی پیدا کردن به (مقام امامت) است.

و (امام)، مقتدای مردم و کسی است که:
مردم در قول و فعل به او اقتدا می‌کنند.

ادامه‌ی سخن

موردی دیگر از موارد استعمال کلمه
در قرآن کریم

شرح آیهی

(یا مَرْیَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ)
(اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ)

در دو مبحث گذشته،
دو استعمال قرآنی (کلمه) را ملاحظه فرمودید.

استعمال اول (کلمه):

آدم به سبب (تَلَقَّى رَبِّ) در جان او،
خویش را (ظالم به نفس)،
و محتاج (غفران و رحمت الهی) می‌یابد.

قرآن کریم از این (دریافت باطنی)،
به (کلمه) تعبیر می‌کند.

استعمال دوم (کلمه):

(رَبِّ)، جناب ابراهیم را به (کلماتی) مبتلا می‌کند.
این (کلمات)، (حوادث و ابتلائات) است که (رَبِّ)،
در (سیر زندگی) جناب ابراهیم طراحی کرده است.

قرآن کریم از این (حوادث و ابتلائات)،
به (کلمه) تعبیر می‌کند.

حال به یک استعمال عجیب قرآنی در مورد
(کلمه) توجه فرمایید!

عيسى ابن مريم كلمةُ الله است

(يا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ)

(الله تعالی)،

(کلمه‌ای از جانب خود) را،

به مریم (سلام الله علیها) بشارت می‌دهد؛
این (کلمه) عیسی بن مریم است.

(اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ).

همانطور که ملاحظه کردید،
قرآن کریم از (عیسی)، به (کلمه) تعبیر می‌کند.

به بیان دیگر قرآن کریم از (شخص)،
به (کلمه) تعبیر می‌کند.

در سومین استعمال قرآن کریم از (شخص)،
به (کلمه) تعبیر می‌کند.

بیانی ارزشمند
از مرحوم علامه طباطبایی

مرحوم علامه طباطبایی

در (مقدمه‌ی المیزان جلد 1 صفحه‌ی 10)

در مورد (روح و غایت معنای لغات)،

بیانی بسیار ارزشمند دارند.

این بیان فوق العاده، یک مبنای تفسیری است که:
چشمه‌های جوشانی از دل آن سرازیر می‌شود.

به بخش کوتاهی از این بیان توجه فرمایید!

الْمَدَارِ فِي صِدْقِ الْإِسْمِ اشْتِمَالُ الْمِصْدَاقِ عَلَى الْغَايَةِ وَ
الْغَرَضِ لَا جُمُودُ اللَّفْظِ عَلَى صُورَةٍ وَاحِدَةٍ.

ملاك در این که اسمی بر مصداقی صدق کند،

(غایت و غرض آن اسم) است؛

نه جمود لفظ بر یک صورت واحد.

توضیح بیان مرحوم علامه طباطبائی

مقصود از این عبارت چیست؟

ملاک در این که اسمی بر مصداقی صدق کند،

(غایت و غرض آن اسم) است؛

نه جمود لفظ بر یک صورت واحد.

برای روشن شدن کلام مرحوم علامه طباطبایی،
به یک مثال توجه فرمایید!

(سوال): کلمه‌ی (میزان) به چه معنا است؟
ما در پاسخ به این سوال می‌گوییم:

کلمه‌ی (میزان) به معنای (ترازو) است.

حال اگر از ما سوال شود:
به چه چیزی **(ترازو)** می‌گویند؟

اولین چیزی که ذهن ما متوجه آن می‌شود،
(مصدّق ترازو) است که:

(ما دیده و به آن عادت کرده‌ایم).

در زمان ما مصداق عمومی (ترازو) شیئی دارای یک کفه،
و یک نشانه‌ی دایره شکل دارای اعداد است.

اما چندین سال قبل،
مصداق عمومی (ترازو) شیئی دارای دو کفه،
و یک شاهین قرار گرفته در میان دو کفه بود.

و شاید صد یا هزار سال قبل، مصداق عمومی (ترازو) شیئی
بوده باشد که امروز ما هیچ تصویری از آن نداریم.

اما به دور از (خصوصیات مصداقی ترازوها)،
در هر زمان و هر عصری، امری هست که:
در تمامی مصداقها، و تمامی دورانها،
(واحد و یکسان) است.

به نظر شما این امر (واحد و یکسان) چیست؟

آنچه که در هر زمان و هر عصری،
و در تمامی مصداقها، و تمامی دورانها،
(واحد و یکسان) است:

(غایت و غرض یک اسم) است.

(غایت و غرض ترازو)،

(ابزاری برای وزن کردن) است.

حال ممکن است این ابزار دارای یک یا دو کفه باشد.
به این ترتیب ممکن است:
ترازویی اصلا کفه نداشته باشد.
و به همین ترتیب ممکن است:
یک امر معنوی و یا یک شخص ترازوی سنجش باشد.

(علم منطق)، (ترازوی سنجش فکر) است.

(علم منطق)، نه دارای کفه است و نه دارای جرم،
و هیچ کدام از خصوصیات مصداقی ترازوهای
آشنای ما را ندارد.

قرآن کریم،

(حق) را (ترازوی سنجش اعمال) می‌داند.

(وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ)،

(حق) ترازویی است که:

در روز توزین اعمال، عمل را با آن وزن می‌کنند.

در زیارت امیرالمومنین می خوانیم:

(السَّلَامُ عَلَى مِيزَانِ الْأَعْمَالِ)

سلام بر تو ای ترازوی اعمال.

(امیرالمومنین) ترازوی است که:

عمل را با آن وزن می کنند.

بعد از این توضیح مفصل،
بار دیگر به بیان مرحوم علامه طباطبایی توجه کنید!

ملاک در این که اسمی بر مصداقی صدق کند،
(**غایت و غرض آن اسم**) است؛
نه جمود لفظ بر یک صورت واحد.

با این ملاک عالی و ارزشمند،
بار دیگر با طرح یک پرسش،
به بحث (کلمه) برمی‌گردیم.

غایت و غرض (کلمه) چیست؟

غایت و غرض (کلمه)،

(بیان و اظهار) چیزی است که:
(در درون پنهان است)

(رب)،

آنچه را که از جنس (توبه و بارش رحمت)،

در درونش پنهان است،

در لباس (ربنا ظلمنا انفسنا) آشکار می‌کند،

و از آن به (کلمه) تعبیر می‌کند.

(فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ)

(رب)، آنچه را که از جنسِ
(سیر دادن و رساندن یک انسان به مقام امامت)،
در درونش پنهان است، در لباسِ
(حوادث و وقایع و ابتلائات) آشکار می‌کند،
و از آن به (کلمه) تعبیر می‌کند.

(وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ)

(رب)،

آنچه را که از جنسِ (خلق و شفا و احیاء)،
در درونش پنهان است،
در لباس عیسی آشکار می‌کند،
و از آن به (کلمه) تعبیر می‌کند.

(بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ)

و تمامی عالم، ظهور (رب العالمین)، است.
پس تمامی عالم (کلمات) اوست.

(اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَلِمَاتِكَ بِأَتَمِّهَا)
(وَ كُلِّ كَلِمَاتِكَ تَامَةً اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَلِمَاتِكَ كُلِّهَا)

آیا با این دیدگاه،
می‌توانید عمق سایر بیانات قرآنی مانند:

(عرش) (کرسی) (لوح) (قلم) (جنت و نار)،
و بسیاری از کلمات دیگر را دریابید؟

گفت آن شاه شهیدان که بلا شد سویم
با همین قافله‌ام راه فنا می‌پویم
دست همت ز سراب دو جهان می‌شویم
شور یعقوب‌کنان یوسف خود می‌جویم
که کمان شد ز غمش قامت چون شمشادم

گفت هرچند عطش کنده بن و بنیادم
زیر شمشیرم و در دام بلا افتادم
هدف تیرم و چون فاخته پر بگشادم
فاش می‌گویم و از گفته خود دلشادم
بنده‌ی عشقم و از هر دو جهان آزادم

من به میدان بلا روز ازل بودم طاق
گشته‌ی یارم و با هستی او بسته وثاق
من دل رفته کجایم و کجا دشت عراق
طایر گلشن قدسم، چه دهم شرح فراق
که در این دامگه حادثه چون افتادم

لوحه‌ی سینه‌ی من گر شکند سُم ستور
ور سرم سیر کند شهر به شهر از ره دور
باک نبود که مرا نیست به جز شوق حضور
سایه‌ی طوبی و غلمان و قصور و قد حور
به هوای سر کوی تو برفت از یادم

تا در این بزم بتابید مه طلعت یار
من خورم خون دل و یار کند تیر نثار
پرده بدریده و سرگرم به دیدار نگار
نیست بر لوح دلم جز الف قامت یار
چه کنم حرف دگر یاد نداد استادم

تشنه‌ی وصل وی‌ام آتش دل کارم ساخت
شریت مرگ همی خواهم و جانم بگداخت
از چه از کوی توام دست قضا دور انداخت
کوکب بخت مرا هیچ منجم نشناخت
یا رب از مادر گیتی به چه طالع زادم

السَّلَامُ عَلَى وَليِّ اللَّهِ وَ حَبِيبِهِ؛
السَّلَامُ عَلَى خَليلِ اللَّهِ وَ نَجِيبِهِ؛
السَّلَامُ عَلَى صَفِيِّ اللَّهِ وَ ابْنِ صَفِيَّهِ؛
السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ؛
السَّلَامُ عَلَى أُسَيرِ الْكُرْبَاتِ وَ قَتيلِ الْعَبْرَاتِ.

پایان جلسه سوم گفتاری پیرامون
(کلمات طیب و کلمات خبیث)